

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی  
برلین، ۳۱ می ۲۰۱۰

## "حلاج المان" منصوروار زیر "دار" رفت

حضرت خواجه شمس الدین محمد "حافظ شیرازی"، شاعر عارف و مشهور، غزلهای بسیار ناب دارد. مگر در مجموعه دیوانش چند غزل وجود دارند، که طاق طاق اند و در اوج تصوف، که شاید در تمام اشعار عارفانه قدمای دیگر ما سراغ نگردند. یکی ازین غزلها با این ابیات شروع میگردد:

سالها دل طلب جام جم از ما میکرد      وانچه خود داشت، ز بیگانه تمنا میکرد  
گوهری کز صدف کون و مکان بیرونست      طلب از گمشدگان لب دریبا میکرد

حافظ "دل عارف" را از جوهری میداند، که خارج از صدف "کون و مکان" است. حافظ "کون و مکان" را به دو پله "صدف" تشبیه میکند و درین میانه میگوید، که "عنصر دل" ازین صدف خارج است و از جوهری بالاتر و بالاتر از عناصر "دنیا و آخرت" ساخته شده است. بعد ازینکه حضرت حافظ ضمن ابیات متعدد، معانی عالی عرفانی را میپروراند، به قصه "منصور حلاج" میرسد و میگوید:

گفت آن یار کز و گشت سر دار بلند      جرّمش آن بود که اسرار هویدا میکرد

مراد از "یار" درینجا "منصور حلاج" است و مشهور است که "منصور حلاج" بخاطر همان یک جمله "انالحق" (۱) بر سر دار رفت. حافظ میگوید، که اسرار عرفان را نباید فاش ساخت، که کس طاقت شنیدن آن را ندارد. چون وقتی "منصور حلاج" در اوج عرفان، وجود "باری تعالی" و "مبدأ هستی" را در "دل" و در "وجود" خود شهود کرد، بی محابا گفت:

"من خود خدا استم".

همین یک "جمله" باعث گشت که منصور را بدار بیاویزند و قصه اش را تا به امروز بر سر زبانها بیندازند.

امروز ساعت ۱۴ بعد از چاشت، وقتی خبر استعفای غیر مترقب "هورست کیولر" Horst Köhler (۲)، "رئیس جمهور المان" را شنیدم، بدون محابا داستان "منصور حلاج" به یاد آمد؛ چون: رئیس جمهور المان نیز بخاطر فقط یک "جمله" در واقع "حکم اعدام سیاسی" خود را صادر کرد. وقتی وی بصورت "غیر مترقب" و بدون "استیذان و استحضار" دولت دست نشانده کابل به تاریخ ۲۲ می ۲۰۱۰ رهسپار افغانستان گشته و با گذشتادن فقط سه ساعت در قرارگاه اردوی المان در مزار شریف، طیاره خود را سوار شده و به وطن برگشت، در میان طیاره با اهل مطبوعات، مصاحبه ای نیز انجام داد. ضمن این مصاحبه گفته بود:

« از نظر من برای تأمین منافع اقتصادی المان، باید عنداللزوم از قوای "بوندس ویر" (۳) هم استفاده کرد.»

این جمله در جامعه آلمان به انتقاد شدید و فراوان برخورد (برخورد کرد). حتی اورگانهای حکومتی، به شمول "صدر اعظم" و "وزیر خارجه" آلمان، از انتقاد غیرمستقیم، خودداری نکردند. و همین انتقادات گسترده و بی امان بود، که رئیس جمهور را به استعفاء واداشت.

خبر استعفای رئیس جمهور آلمان بمانند "بمب" کفید و آوازه اش در بین خلق الله پیچید. اهالی آلمان که غافلگیر شده بودند، به تعجب اندر شدند. تلویزیونهای آلمان هم که معمولاً "چشم درد" پشت موضوعات داغ میگردند، این سوژه خداداد را عنوان کرده، ساعتها را صرف پخش و تحلیل و بررسی آن نمودند. تبصره ها از هر جنس و قماش بود. گفتند، این دومین سیاستمدار آلمانیست که بر سر موضوع افغانستان پشت کلاه خود میروند. نفر اول "یوزف یونگ" بود، که بخاطر فاجعه چهارم سپتمبر ۲۰۰۹ در ولسوالی "چاردره" ولایت قندوز (۴)، از پوست وزارت دفاع آلمان مجبور به استعفاء گردید و اینک اجل رئیس جمهور رسیده بود، که ازین بابت پوست خود را از دست بدهد. و بزرگان ما چه نکو گفته اند:

« اجل گرفته بمیرد، نه بیمار سخت!!!!!!! »

رئیس جمهور مستعفی، که کاندید حزب "دموکرات مسیحی" بود و با آرای حزب خود و آرای حزب "دموکرات آزاد"، برای بار دوم به کرسی ریاست جمهوری آلمان تکیه زده بود، در واقع زمینه ساز پروسه ای گردید، که ضمن آن ائتلاف موجود حکومت آلمان بوجود آمد. حالا که وضع سیاسی و اقتصادی آلمان به حضيض خود رسیده است، مردم استعفای رئیس جمهور را سگنالی میدانند، که احتمالاً باعث فروپاشی ائتلاف حکومت موجود خواهد گردید. در هر صورت، این استعفاء ضربتی شدید به حکومت ائتلافی موجود - متشکل از CDU "حزب دموکرات مسیحی" و FDP "حزب دموکرات آزاد" - وارد کرده است. در تلویزیونهای آلمان، نظر مردم کوچه و بازار را هم نشر کردند و از نگاه من، بهترین و واقعبینانه ترین نظر، نظر یک نفر ریش سفید بود، که گفت:

« رئیس جمهور آدم بسیار صادق بود و سیاست و صداقت باهم جور نمی آید!!! »

در هر صورت رئیس جمهور مستعفی، یک "واقعیت عینی" را، بی پرده و پوست کنده گفت و چیزی را گفت که طینت و مقتضای جهان سرمایه داری را میشگافد. جهان سرمایه داری بخاطر رونق اقتصادی خود، دست بدامن جنگ میبرد و منافع اقتصادی خود را، از طریق جنگهای غارتگرانه، تأمین میکند. آنچه را "هورست کیولر" از سر صدق گفت، بیان یک واقعیت ملموس بود، که سیاستمداران غربی همیشه از آن طفره میرفتند و میروند.

جهان غرب تهاجم بر افغانستان و اشغال سرزمین ما را با دسائس الحیل، می پوشانند و باصطلاح شیرین کابلی، "پلپوت میکنند" و وقتی یک "کلک راستگوی" پیدا شد و حقایق را فاش کرد، باید "منصور وار" بر سر "دار" برود!!!!!!

## توضیحات:

۱ - "انالحق" را "جمله" گفتیم، چونکه واقعاً هم یک "جمله" است و معنایش چنین است:

« من حق هستم. » یعنی "من خدایم".

"جمله" از دید امروزی دستور زبان، "تعرف" دیگری دارد، که مغایر تعاریف کلاسیک میباشد. در مبحث "مشکلات املانی در زبان دری" در زمینه چیزی گفته خواهد شد.

۲ - رئیس جمهور آلمان Horst Köhler نام داشت و من تلفظ آنرا به شکل "هورست کیولر" آوردم، که دقیقاً جوابگوی تلفظ آلمانی نیست. چون برای حرف "ö" در زبان "دری" معادلی نداریم. برای تعدادی از حروف خاص آلمانی در زبان دری، واقعاً که حروف معادل نداریم. بلی؛ حروفی نداریم، که تلفظ آن حروف خاص آلمانی را بتوانیم با آنها افاده نماییم. من ترکیب "ی و" را نزدیک ترین "صوت" معرف این حرف آلمانی دانستم، و میدانم که همین ترکیب هم این صوت را درست و دقیقانه افاده کرده نمیتواند.

۳ - اردوی آلمان را Bundeswehr "بوندرس ویر" یعنی "قوای دفاعی آلمان فدرال" مینامند. در زمان آلمان نازی، قوای عسکری آلمان را Wehrmacht "ویر مخت" مینامیدند، که مراد از آن Reichswehrmacht بود، یعنی "قوای دفاعی آلمان امپراتوری". ایرانیان "ویر مخت" را در کتب خود، بصورت "ویر ماخت" می آورند، که درست نیست.

۴ - فاجعه کشتار اهالی ولسوالی "چار دره" در ولایت قندوز که به تاریخ ۴ سپتمبر پارسال به اثر تجویز قوماندان قوای آلمانی، "دگروال هورست کلین"، صورت گرفت، انعکاس بسیار شدید در داخل و خارج آلمان داشت و دامنه

اش تا امروز هم قطع نشده است. ازین قلم درین باره مقالاتی چند در همان زمان در پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" نشر گردید، که همه در آرشیف بنده و در آرشیف مطالب سیاسی پورتال قابل دسترس میباشند. توجه خواننده خواهنده را بدانجا ارجاع میکنم.

## تذکر:

چنانکه شیوه معمول این قلم است، در متن این مقاله تعدادی از اصطلاحات عامیانه کابلی بکار رفته است و من درین مقاله قصداً به شرح آنها نپرداختم. علاقه مندان میتوانند، معانی آنها را از "فرهنگ اصطلاحات دری" استاد عبد الله "افغانی نویس" دریابند.